

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

فقه اسلامی - احکام فقهی عام - تصویبات انجمن فقه اسلامی - درس 8 : شریعت تمام مسائل زندگی را در بر دارد

سپاس خداوند جهانیان را و درود و سلام بر سرورمان محمد امین. بارخدايا تنها آنچه به ما آموختی را می دانیم و تو بسیار دانا و حکیم هستی. بار خدايا چیزی به ما بیاموز که ما را سود رساند و ما را از آنچه به ما آموختی بهره مند ساز و علم ما را بیفزای و حق را به ما حق بنما و ما را توفیق پیروی از آن عنایت فرما و باطل را به ما باطل بنما و ما را توفیق پرهیز از آن عنایت فرما و ما را از زمره ی کسانی قرار بده که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند و با رحمت خود ما را از جمله ی بندگان صالح خود قرار بده.

الدین الإسلامي دین کامل نوعاً و تام عدداً :

از جمله موضوعات عمومی دین این است که دین مجموعه ای از باورها، عبادات، معاملات، اخلاق و آداب است. زیبایی و رحمت از آداب، خوش خلقی از برخوردها و تعاملات و چچ نمونه ای از عبادات و توحید نمونه ای از باورها است و تقسیمی دیگر نیز وجود دارد؛ بنابراین دین عقیده و عبادت، رهگذری تئوری و رفتاری عملی است. انسان با آفرینش الهی و با افعال او و به وسیله ی کلامش خدا را می شناسد و با شریعت وی او را می پرستد. خداوند بزرگ آسمان ها و زمین را آفرید و آسمان ها و زمین را حق فراگرفت. خداوند نور آسمان ها و زمین است و آن ها را به حق آفرید. و با وحی آن ها را نورانی ساخت. پس دین به وسیله ی وحی آمده است تا به خداوند ایمان داشته باشیم و از او پیروی کنیم. با تدبیر در آفریده هایش به او ایمان آورید و با کاربست شریعت او از وی فرمانبرداری کنید.

درس امروز تشریحی است. اولین پرسشی که مطرح می شود این است: آیا منطقی است که در زندگی ما مساله ای اقتصادی، اجتماعی و ملی خارج از چارچوب قانون وجود داشته باشد؟ اگر این گونه باشد معنایش این است که قانون ناقص است! اگر در زندگی کنونی ما یا پس از صد سال یا صد سال پیش مساله ای بهداشتی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، روانشناختی، ملی و سیاسی وجود داشته باشد که در دین قانونی برای آن نباشد معنایش این است که دین ناقص است. خداوند می فرماید:

﴿ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به

عنوان] آیینی برگزیدم ﴾

(سوره مائده:3)

اگر به خداوند، آفریننده ی آسمان ها و زمین ایمان دارید و به قرآن به عنوان کلام خداوند باور دارید و معتقدید که اعجاز قرآن دلیل کمال خداوند بزرگ است و کسی که قرآن را آورده است پیامبر اوست و سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تفسیر قرآن است پس بدان که خداوند می فرماید:

﴿ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به

عنوان] آیینی برگزیدم ﴾

(سوره مائده:3)

و اگر کسی آیه ای را از قرآن رد کند و نپذیرد کافر می شود. مسلمان باید کاملاً معتقد باشد به اینکه دین او کامل است و اگر این امر حاصل قانونگذاری زمینی می بود ممکن بود ناقص باشد.

آگاهی انسان جدید و پویاست اما آگاهی الله جاودانه و ازلی است :

گاهی قانونی وضع می شود و آن قانون را نخبگان و کارشناسان و دانشمندان و قانون گذاران وضع می کنند و ممکن است نکته یا مساله ای را فراموش کنند و گوشه ای از کار یادشان برود؛ بنابراین در قانون نقص وجود دارد و قابل اصلاح است. اصلاح می شود و باز هم اصلاح می شود و حتی تغییر می کند و چه بسیار قانون هایی وجود دارد که انسان ها آن را وضع کرده و اصلاح نمودند و پس از اصلاح و تغییر کاملاً ملغی نموده اند.

به عنوان مثال افزایش نامعقول قیمت خودروها، در اقتصاد چیزی به نام مضاربه داریم. معمولاً انسان خودرویی می خرد تا آن را سوار شود و اصل همین است. اما اکنون انسان خودرویی می خرد تا آن را چندین بار بفروشد و شاید پنج بار خرید و فروش شود و هفتمین نفری که بخواهد آن را بخرد یا قیمتی سه برابر مواجه می شود. قیمت خودرو در اصل سیزده هزار بوده و اکنون پس این روند به یک ونیم میلیون رسیده است! این یک پدیده ی غیر طبیعی است. قانونی برای منع فروش خودروها وضع شد. نیت پاک و زیباست و راهی سالم است یعنی جلوگیری از سفته بازی در معاملات خودرو اما گاهی کسی خودرویی را به همسرش هدیه می دهد و ممکن است بخواهد آن را بفروشد یا همسر خودرو خود را به او بفروشد. در این حالت استثنائاتی را میان زن و شوهر، پدر و پسر و دو برادر و خویشاوندی های معینی قرار داده اند. مساله ای در جامعه رخ داده است که قانونگذار به آن اهمیتی نداده است به خاطر فروش یک خودرو، یک ازدواج صوری انجام شده است!! این ازدواج اصل و حقیقتی ندارد. یک عقد ازدواج صوری انجام شده است. شخصی با زنی ازدواج نموده تا بتواند خودرویی را به او بفروشد و ناگهان متوجه می شود او ثروتمند است و دیگر دوست ندارد او را طلاق بدهد! قانون های زمینی را برایتان بیان می کنم. نیت قانونگذار خیر بوده است و برای حفظ منافع عموم در راستای جلوگیری از سفته بازی در فروش خودروها اقدام به وضع چنین قانونی کرده است اما ناگهان چیزی رخ می دهد که انتظارش نمی رود؛ به خاطر معامله ی یک خودرو، یک ازدواج صوری انجام می شود. و اگر شوهر بداند که همسرش پولدار است او را طلاق نمی دهد نیاز به آرامش دارد! چندی بعد قانون لغو می شود. اما وقتی خداوند آسمان ها و زمین قانونی را وضع می کند چنین نیست. در قاره ی آفریقا کشوری است که شوهر را وادار می کند در صورت طلاق نیمی از اموالش را به همسر مطلقه اش بدهد! یکی از نزدیکان من در آنجا زندگی می کند می گوید: بازار ازدواج کساد شده است. شخص کارخانه دار ثروتمندی که آن را با زحمت به دست آورده است با زنی ازدواج می کند و به خاطر اختلافی که میان آن دو به وجود می آید نیمی از اموال او را مطالبه می کند بنابراین بازار ازدواج راکد می ماند تا جایی که زنا جای ازدواج را می گیرد. به من می گوید: کار به جایی رسیده که اگر کسی دختری را خواستگاری کند پدر دختر سندی یک میلیون لیره ای برایش تنظیم می کند و مشکلی بزرگ آغاز می شود.

قانونی دیگر در شرق آسیا می گوید: زن و شوهر باید فقط به یک فرزند بسنده کنند؛ چراکه جمعیت آنان به یک میلیارد نفر رسیده است. می گوید: پادشاه یک کشور کوچک یک میلیون نفری از چین دیدن کرده است رو به رئیس جمهور چین می گوید جمعیت کشورش بسیار زیاد است. رئیس جمهور چین به او می گوید: جمعیت شما چقدر است؟ پادشاه می گوید: یک میلیون نفر جمعیت داریم. رئیس جمهور چین می گوید: آنان را هم با خودت می آوردی! زیرا جمعیت چین یک میلیارد و صد میلیون نفر اند. این کشور قانون تک فرزندی برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت وضع نمود است. اگر فرزند دختر باشد او را خفه می کنند تا اینکه پسری به دنیا بیاید و برایش شناسنامه بگیرند! اما قانونگذار از احتمال وجود یک مشکل مزمن آگاه نبوده است. هم اکنون در چین پنج میلیون جوان بدون همسر زندگی می کنند و باندهایی برای ربودن و قاچاق دختران بالغ به وجود آمده است. هیچ تعادلی وجود

ندارد. همه پسر می خواهند. دختر کشته می شود. خفه می شود تا آنکه پسری به دنیا بیاید و برایش شناسنامه می گیرند. در برخی از جوامع نبود زن ها امور جامعه را با مشکل مواجه کرده است. من نمونه هایی از قانون های زمینی را در اختیارتان گذاشتم که معمولاً قانونگذار آن نیت خوبی داشته است و تقریباً کارشناس و متخصص بوده است اما آگاهی و تخصص او محدود است اما تخصص و آگاهی ازلی از آن خداوند است. تخصص ما مقطعی است؛ دلیل: به خودرویی بنگرید که در سال هزار و نهمصد ساخته شده است! من به یاد دارم که در مرجه فقط تعدادی خودرو وجود داشت. برای روشنایی از فانوس استفاده می کردند و انرژی برق وجود نداشت! خودرو را از قسمت جلو روشن می کردند و چرخ های آن بادی نبود بلکه فلزی بود. بوق آن مانند فروشنده ی مازوت با یک حرکت به صدا در می آمد. اکنون آن را با خودروی مرسدس مدل نود و نه یا دو هزار مقایسه کنید!! آیا تفاوتی دارند؟ این تخصص انسان است که هر روز پویاتر می شود. چنان بوده و چنین شده است. آیا بر روی خود انسان تغییر و ارتقائی انجام شده است؟ انسان کامل اس. از زمانی که خداوند انسان را آفرید انسان کامل بود. هیچ تغییری و ارتقائی در او ایجاد نشده است؛ بنابراین تخصص انسان ایجاد شده و پویاتر می شود در حالی که تخصص الله متعال ازلی است.

قانونگذاری انسان ناقص و اشتباه و فراموشی در آن رخ می دهد :

قانون همان قانون است. اما در قانونگذاری انسان امکان اشتباه یا سختگیری وجود دارد. به عنوان مثال در هند قانونی باستانی وجود داشت که به عادت تبدیل شده بود و اگر کسی فوت می کرد باید با همسرش می سوخت! و هنوز هم این قانون در برخی از روستاهای هند اجرا می شود. شوهر وقتی بمیرد همسرش در کنارش دراز می کشد و با هم آتش زده می شوند. قانون انسان ها این گونه است. در آن ستم، نادانی، جانبداری و تعصب وجود دارد و دلیل آن هم این است که چه بسیار قانون هایی وضع شده است و لغو شده و چه قانون هایی که اصلاح شده اند؛ بنابراین تخصص انسان در قانون بوجود آمده است اما تخصص الهی ازلی است، می فرماید:

﴿ و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه تو را خبردار نمی کند ﴾

[سوره فاطر: 19]

اگر قانون الهی ازلی باشد و از جانب الله بسیار دانا نازل شده باشد پس آیا عاقلانه است که از مشکلات جسمی، بهداشتی، خانوادگی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین المللی رنج ببریم؟ محال است، دلیل قرآن آن هم این فرموده ی الهی است:

﴿ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به

عنوان] آیینی برگزیدم ﴾

(سوره مائده: 3)

و نیز دلیلی دیگر این سخن الله متعال که می فرماید :

﴿ خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [تیز] اطاعت کنید ﴾

[سوره نساء: 59]

از دستورات خداوند در کتابش پیروی کنید و از سنت پیامبرش الگو بگیرید و از ولی امر خود اطاعت کنید؛ چراکه اطاعت از او در راستای اطاعت از خداوند و رسول اوست و اگر از سوی اولی الامر که همان علما و امراء هستند به شما دستور موافق با دستورات الهی و سنت رسول الله داده شد از آنان فرمان برداری کنید، خداوند می فرماید:

﴿ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید ﴾

[سوره نساء: 59]

اگر با علما و حکمای خود دچار اختلاف شدید آن را به کتاب خدا و سنت رسول الله عرضه کنید. اگر در مساله ای دچار اختلاف شدیم و به کتاب خدا و سنت رسول الله عرضه داشتیم ولی به نتیجه نرسیدیم به این معناست که این آیه بی معناست! آیا عقلانی است که خداوند سخنان بی معنایی را بگوید؟ اگر پروردگار هستی، آفریدگار هستی، آگاه بسیار دانا و توانا بگوید در صورت اختلاف در مساله ای آن را بر خدا و رسولش عرضه کنید و به کتاب خدا و سنت رسول الله بازگردید معنایش این است که اگر به آن دو مراجعه کنیم حتما باید به راه حلی برسیم که این مساله را در بر گیرد.

قانون اسلامی تمام نیازهای جامعه ی اسلامی را پوشش می دهد:

اولین نکته در این درس این است که گمان می شود یا شیطان وسوسه می کند که قانون اسلامی ناقص است و نیازهای جامعه را پاسخگو نیست. برادری به من گفت: بیمه یک نیاز اساسی است. گفتیم: چه کسی به تو گفته نیاز اساسی نیست؟ اما باید بیمه ای باشد که در این دین بزرگ مشروع شده و آن هم بیمه ی مشارکتی است و نه تنها حلال است بلکه واجب است آن را انجام دهیم، اما چگونه؟ صد تاجر پارچه وارد می کنند و صندوق بیمه ای را تاسیس کرده اند. هر کدام از تجار بر اساس حجم واردات خود- یک هزارم- آن مبلغی را از سرمایه خود کنار بگذارند و در صندوق نگه داری کنند. هر کدام از تجار که ورشکسته شد یا دچار آتش سوزی گشت از همین صندوق بهای کالایش را می پردازیم. این همکاری نام دارد. اگر هم آسیبی به اموالشان نرسید این مبالغ از آن همان صد نفر می باشد و آن را در صندوق نگهداری می کنند و بر داشت نموده و در یک پروژه ی خیرخواهانه به کار می گیرند. آنان آزادند. و این نوع بیمه مشکلات جامعه ی اسلام را حل می کند. برادری در آمریکا بر این تعریف می کرد که در آنجا پزشک از یک مشکل بزرگ رنج می برد که ما آن مشکل را نداریم و آن این است که اگر در درمان بیمار اشتباه کند و بیمار علیه او شکایت کند گاهی قاضی تا بیست میلیون دلار او را جریمه می کند! و این قیمت از قیمت خانه، خودرو و تمام دارایی هایش هم بیشتر است. این بزرگترین خطری است که در آنجا در کمین پزشک است. اگر در درمان بیماری به اشتباه رود باید ناگزیر جریمه را بپردازد. جریمه ای که میلیونی است. بنابراین پزشکان توافق کردند که از روش بیمه ی حرام هر کدام دوازده هزار تا بیست هزار دلار در سال به عنوان بیمه بپردازند و مشغول به کار باشند، چه اتفاقی برایش افتاد، چقدر برای بیمه پرداخت؟ بیست هزار، آیا دردی احساس کرد؟ برای چه؟ اما اکنون بر ساخت شرکتی توافق نموده اند. هر پزشکی پنج هزار دلار به این صندوق می پردازند و اگر بیماری بر علیه این پزشک اقامه ی دعوا کند از این صندوق پرداخت می شود. این پزشکان هیچ مشکلی ندارند. تمام این مبلغ از آن این پزشکان می باشد. اگر بخواهند می توانند آن را پس بگیرند. این بیمه ی تعاونی نام دارد. هر مشکلی که جامعه از آن رنج می برد اسلام برایش یک راه حل دارد. تقریباً مشکل در خود مسلمانان است نه در اسلام؛ زیرا آنان دنبال راه حل اسلامی نیستند و در پی آن نمی روند. می گویند: چکار کنیم؟ و این ناشی از ناتوانی و کوتاهی مسلمانان و نگرفتن حقشان است؛ بنابراین شریعت اسلام باید تمام نیازهای جامعه ی اسلامی را اعم از قانونگذاری، روانشناختی،

خانوادگی، احوال شخصیه، اجتماعی، سیاسی، ملی و بین المللی پوشش دهد. خدا را شکر این خوب است و کلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را محقق می کند که فرمود: «امت من بر خطا اجماع نمیکند». این امت جمعا از خطا به دور است و برای همین است که انجمن فقه اسلامی تشکیل شده و تمامی کشورهای مسلمان در این انجمن عضو هستند و نمایندگان در این کنفرانس دارند و هر دو سال یک بار برگزار می شود و مسائل معاصر که جامعه از آن رنج می برد، را در آن مطرح می سازند و برای بررسی هر یک از این مسائل تعداد بسیاری از فقهای مسلمان اقدام به کار می کنند و پس از دو سال حاصل پژوهش های علمی خود را ارائه می دهند. این پژوهش ها مطالعه می شوند و براساس آن قوانینی وضع و به عموم ابلاغ می گردد و تا کنون تقریبا بیش از دو هزار مصوبه مربوط به مسائل روز مسلمانان وضع گشته است و چنان که به شما قول داده بودم پس از ماه مبارک رمضان به موضوعات خیلی مهم و ضروری خواهیم پرداخت

مصوبات انجمن فقهی اسلامی در زمینه ی دین و مسکن:

امروز تعدادی از مصوبات این انجمن فقهی را گزینش کرده و در حد امکان به شرح و توضیح آن می پردازم.

مشکل اینجاست که اگر بدهکار در پرداخت بدهی خود تاخیر کند، آیا طلبکار می تواند جریمه ی مالی معینی را به دلیل تاخیر در پرداخت در موقع معین برای وی تعیین کند؟ پس از بررسی دو ساله و مطالعه ی پژوهش های فراوان و مشارکت افراد بسیاری برای بررسی این مساله چنین تصویب گشت: اگر طلبکار بر بدهکار شرط گذاشت یا وی را وادار به پرداخت بخشی از مال به عنوان غرامت مالی حقوقی و معین یا در صد مشخصی نماید در این صورت اگر در بازپرداخت در وقت تعیین شده ی توافقی تاخیری صورت گیرد این مورد شرط محسوب شده یا تحمیلی بوده و باطل است و نباید به آن پایبند بود و بلکه این شرط به هیچ عنوان چه در بانک و چه غیر بانک باشد، پذیرفته نیست و حرام است؛ زیرا این کار دقیقا همان ربای جاهلیت است که قرآن در مبارزه با آن نازل شد. بنابراین هر گونه قرضی که طلبکار در صورت تاخیر آن مبلغی را به عنوان جریمه دیرکرد شرط گذاشته باشد باطل و نادرست و نباید انجام شود. این مصوبه ی انجمن فقهی می باشد.

مساله دوم؛ ساختمانی آماده ی نشیمن و یا زمینی آماده زراعت وجود دارد و یا مغازه ای آماده به کار است و صاحب آن در آن مشغول به کار است. خانه ی مسکونی، زمین زراعی، و مغازه ای که صاحبش آن را برای کار در اختیار دارد از زکات معاف اند و در تجارت آن را اصل می نامند و این اصول ثابت هستند تا بر مومنان آسان گرفته شود و رحمتی از جانب الله برای او باشد. دارایی های ثابت از زکات معاف اند.

مسلمانی خانه ای را می خرد تا اجاره بدهد و از اجاره ی حاصل از آن زندگی بگذراند. ما واژه هایی به نام رقبه و منفعت داریم. شما صاحب خانه ای هستید و مالک رقبه ی آن نیز می باشید اما مالک منفعت آن نمی باشید و آن را به اجاره می دهید. مستاجر مالک چیست؟ وی مالک منفعت خانه است ولی مالک رقبه ی آن نیست. خانه ی آماده ی اجاره زکاتش از رقبه و یا اصل قیمت آن پرداخت نمی شود بلکه زکات آن از درآمد یا اجاره ی آن باید پرداخت شود. این حکم دوم. کسی که خانه ای را سالانه به بهای دویست هزار لیره به اجاره می دهد و وی نیازی به این مبلغ ندارد زکات خانه از اجاره داده می شود ولی اگر همین اجاره را ماهیانه بگیرد و آن را صرف هزینه هایش کند زکاتی

ندارد زیرا وقتی سر رسید سالانه ی زکات فرا رسد دیگر آن مبلغ را در اختیار ندارد و زکات تمام خانه های آماده ی اجاره از اجاره بهای آن ها پرداخت می شود و اصل بهای آن زکات ندارد. اما کسی که در بنگاه املاک و مستغلات یا بنگاه تجاری مغازه کار می کند زمین ها و ساختمان ها و مغازه ها دارایی او محسوب می شود و از اصل آن زکات گرفته می شود و از نظر حکم شریعت هر ساله باید زکات بدهد.

ساختمان آماده ی نشیمن به هیچ وجه زکات ندارد؛ نه از رقبه و نه از اجاره اش زکاتی گرفته نمی شود. از سوی دیگر ساختمان آماده ی تجارت که برای تجارت عرضه شده زکات دارد و زکات از رقبه اش پرداخت می شود. تاجر بساز و بفروش خانه ای پنج واحد دارد. خانه ی آماده برای تجارت از اموال تجاری محسوب می شود و از رقبه ی آن باید زکات داده شود و سالانه قیمت آن تخمین زده شده و زکات آن محاسبه می گردد. از دیگر سو ساختمان آماده ی اجاره فقط از اجاره اش زکات داده می شود. این دومین مصوبه انجمن می باشد.

مصوبه ی علما مبنی بر این که زکات در راه خدا عمومی و در برگیرنده ی همه ی جوانب آن می باشد :

در اینجا یک موضوع دقیق مطرح می شود. همه این آیه را بخوانید. آیه ی زکات و البته آیه ی هزینه کرد زکات می باشد. می فرماید:

﴿ صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می شود و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و به در راه مانده اختصاص دارد ﴾

[سوره توبه:60]

از دیگر هزینه کردهای زکات راه خدا می باشد. یک پژوهش بسیار خوب در این باره انجام شده است. گفته اند: منظور از در راه خدا فقط رزمندگان و جهادگران راه الله هستند. این یک نظر است. دیدگاهی دیگر نیز وجود دارد مبنی بر اینکه راه خدا همه جانبه و عمومی است و تمام جنبه های نیکی را اعم از ساخت و سازهای عمومی مانند مساجد و پل های ارتباطی و دانش آموزی، و داعی پروری و ... در بر می گیرد. به نظر شما راه خدا فقط مربوط به جهادگران جبهه ی جهاد است یا به تمام کارهای دین گستر مرتبط است؟ هدف جهاد و جنگ چیست؟ گسترش دین. اگر راهی پیدا کنید که بدون جنگ بتوانید دین را به همه برسانید آیا مانعی وجود دارد؟ هیچ مانعی وجود ندارد؛ بنابراین دیدگاه اندکی از فقهای پیشین و اکثر فقهای معاصر درست و به جا است که انفاق در راه خدا به معنای گسترش و انتشار این دین است. به عنوان مثال یک موسسه ی دینی در یک کشور غربی می سازیم و کتاب هایی را نیز چاپ می کنیم و فایل های صوتی را آماده و پخش می کنیم و سخنرانی ها و همایش هایی را برگزار می کنیم و هیئت های دعوت را می فرستیم و کتاب هایی نوشته می شوند و این ها همه در راه خدا می باشد. این فتوای معاصر است که تعداد اندکی از فقهای پیشین آن را صادر کرده اند. در مصوبه آمده است دیدگاه تمام علما و این دیدگاه مبتنی بر محدود کردن راه خدا به جهاد جنگی است. این دیدگاه اول است. و دیدگاه دوم می گوید که راه خدا محدود نیست و عمومی و

بی منتهاست و تمام راه های خیر و منافع عمومی اعم از ساخت مساجد و نگهداری آن و ساخت مدارس و راه و پل و تهیه ی تدارکات جنگی و ارسال داعی و سایر منافع عمومی در راستای خدمت به دین و مسلمانان، را در بر می گیرد و این دیدگاه اندکی از قدماست و بسیاری از معاصران آن را پذیرفته و برگزیده اند. پس از بررسی دیدگاه ها و دلایل دو گروه انجمن مصوبه ی زیر را تصویب نمود:

با توجه به آن که قول دوم را گروهی از علمای مسلمان گفته اند در آن از برخی از آیات قرآنی بهره گرفته شده است مانند این آیه:

﴿ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده اند، منت و آزاری روا نمی دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است، و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند ﴾

[سوره بقره: 262]

و براساس احادیث شریف می باشد از جمله حدیث سنن ابوداود:

((مردی شتری را در راه خدا انفاق نمود و همسر او می خواست به حج رود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به او فرمود بر شتر سوار شو و برو؛ چراکه حج نیز در راه خداست))

[ابوداود از ابن عباس]

نظر آنکه مقصود از جهاد جنگی بالابردن شأن کلمه ی توحید و شناساندن الله است شناساندن کلمه ی الله همچنان که از جهاد ممکن است از راه دعوت نیز می توان آن را شناساند. چنان که یک ماه پیش در کنفرانسی شنیدم که در زمان های گذشته مواعی میان ملت ها بوده است و تنها از راه جنگ می توانستند آن را بگشایند اما اکنون در تمام جهان مرزها باز است و می توان در هر کجای جهان کنفرانس اسلامی برگزار کرد و سخنرانی نمود و نیز می توان سخنرانی ها را از طریق رسانه های معاصر به همه رساند. چیزی که در جهان غرب قابل توجه است این است که تمام دانشمندان مسلمان با فرستاده شدن نوارها و فایل های سخنرانی شان در آنجا حضور دارند. حقیقت گسترش یافته است. ارتباط کامل اتفاق می افتد. و جهان اکنون یک دهکده ی کوچک شده است و حتی تبدیل به یک خانه گشته است و معاصر ترین تعریف از جهان اتاق کوچک است! هر اتفاقی در شرق زمین می افتد غرب از آن آگاه است بنابراین همان طور که با جهاد جنگی می توان کلمه ی الله را والا نمود با جهاد از راه دعوت هم می توان این کار را نمود و دلیل ما بر این گفته قوی است و آن هم آیه ی زیر است:

﴿ و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز ﴾

[سوره فرقان: 52]

الله متعال آموزش و یادگیری را جهاد بزرگی می داند. والا نمودن کلمه ی الله همان طور که با جهاد ممکن است با دعوت هم ممکن است و می توان دین الله را با این کار گسترش داد و داعیان را جمع نمود و آنان را پشتیبانی و یاری نمود تا این ماموریت مهم را انجام دهند و بنابراین هر دو کار جهاد محسوب می شود چنانکه امام احمد و نسائی با تصحیح حاکم از انس از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کنند که فرموده است:

((با اموال و جان ها و زبان هایتان با مشرکان بجنگید))

[حاکم از انس]

سوم: نظر به اینکه اسلام از راه اندیشه و عقیده می جنگد و آنان حامیان مادی و معنوی دارند مسلمانان باید به همراه حامیانی شبیه دشمن با آنان مقابله کنند و بلکه قوی تر از آن باید به مصاف

آنان بروند.

چهارم: با توجه اینکه جنگ ها در سرزمین های اسلامی دارای وزارتخانه ویژه و بودجه های مالی در برنامه و بودجه هستند و هر کشوری بر عکس آن برای جهاد دعوی در برنامه و بودجه اش، بودجه ای برای دعوت به سوی خدا و گسترش دین او ندارد بنابراین انجمن با اکثریت مطلق درج دعوت به سوی الله و لوازم آن و پشتیبانی از آن را در معنای راه خدا تصویب نموده است.

هر چیزی که به بزرگی شأن الله و شناساندن او انجامد در معنای راه خداست :

اکنون دشمنان برای شبهه افکنی برنامه ریزی می کنند و ما در معرض جنگ فکری از راه ایستگاه های فضایی و ماهواره ها هستیم. برخی که کینه ی اسلام دارند مثلاً می شنوند که در شمال افرادی به قتل رسیده اند چه کسی این کار را کرده است؟ حزب الله!! به این کینه و حيله بنگرید. کلمه ی الله. این ذات کامل چگونه به کار گرفته می شود؟ در قتل غیر نامعلوم و در سر بردن هایی که حزب الله انجام داده است. در برنامه ریزی آنان نیرنگ و فریب و خراب کردن چهره ی مسلمانان نهفته است. دستگاہای تبلیغاتی در سراسر جهان با دین مبارزه می کنند و یک جنگ هوشمند در جریان است که مسلمان را یک وحشی مجرم، قاتل، خشن، و تروریست معرفی می کند و ناگزیر برای این دروغ و این هجوم رسانه ای باید یک عکس العمل نشان داد و آن یک دعوت راستین است که تمام نشانه ها و ویژگی های دین را بنمایاند و این موضوع بسیار حائز اهمیت است. اگر در عصری بودیم که دعوت جهادی در دسترس نبود ولی دعوت بیانی بسیار آسان بود بنابراین این دعوت نیز در راه خدا خواهد بود و این آیه در هزینه کرد زکات به دعوت بیانی نیز متمایل است. شخصی می تواند هزینه های یک دانشجو را از این راه بدهد و آن دانشجو می آید و تدریس می کند و این کار نتیجه اش پرورش یک عالم دانشمند خواهد بود. من در یک کنفرانس در قاهره شرکت کرده بودم. در این کنفرانس هفتاد و سه کشور اسلامی شرکت داشتند و نیز کشورهای غیر اسلامی دارای اقلیت های اسلامی نیز شرکت داشتند. نماینده ی نیجریه برخاست و سخنرانی نمود و این سخنان او چنان جذاب بود که گویی از یک پدر و مادر زاده شده که پنجاه سال است مسلمان اند. زبانی گویا، و فکری ژرف و شواهدی قوی و مستدل و وقتی که سخنرانی اش تمام شد گفت: من در شام درس خوانده ام. اکنون او در نیجریه یک مفتی است. بسیار تحت تاثیر او قرار گرفتم و خیر را در او دیدم. وقتی به یک دانشجو در اوایل زندگی اش اهمیت می دهی و توجه می کنی و نمی دانی که در آینده چه نقشی خواهد داشت شاید در سرزمین خود تبدیل به یک داعی بزرگ شود. بنابراین دانشجویان را اکرام و یاری کنید و در تامین هزینه های مسکن و خوراک و خانه های مسکونی ایشان را حمایت کنید. باری یک دانشجو از آفریقا بیش از حد پاک و ساده بود و پس از هشت سال من در شام فهمیدم که در خانه اش فرش ندارد و در طول زمستان نیز بدون فرش بوده است. اتاقی با کف سنگی در زمستان و شرافت وی این بود که از کسی گدایی و تکدی نکرده بود. بسیاری از ما دو قالیچه یا بیشتر داریم و آن را بر دیوار آویز می کنیم در حالی که هیچ نیازی به آن نداریم!! شاید دوست نداشته باشیم آن را به کسی بدهیم تا استفاده کند و نیازمند را رها می کنیم. اگر هر کس دانشجویان نیازمند را ببیند که به بخاری، سوخت، خوراک، نوشیدنی و مسکن نیاز دارند و به آنان یاری رساند این کار نیز در راه خدا بوده و در همان معنا جای می گیرد. کسی که به کشور ما می آید تا علم بیاموزد وقتی به کشور خود برگردد عالم خواهد بود. این یک مصوبه ی خیلی مهم است. پس از آنکه بطور ویژه و در زمانی که وزارت جنگ در کشورهای اسلامی نبوده در راه خدا و برای تجهیزات جنگی بوده است اما اکنون در هر کشور اسلامی ارتش و بودجه ی خاص آن و هزینه های مخصوص به آن و سلاح و توپ و تانک و هواپیما وجود دارد و اکنون نقص در انفاق برای داعیان و طالبان علم و تاسیس دانشگاه ها است. در داریا یک موسسه ی دینی تاسیس شده است که گنجایش چهار هزار دانشجو را با بهترین سطح دارد. سالن های سخنرانی و خوابگاه های دانشجویی برای دانشجویان دختر که مسیرشان دور است، آشپزخانه و آمفی تئاتر و مرکز تلفن همه در درجه ی بالا در آن وجود دارد.

وقتی یک دختر جوان را آموزش می دهیم مانند این است که یک خانواده را آموزش داده باشیم. این عمل در راه خداست. مدرسه ی دینی تاسیس می کنی و دانشجویانی را فارغ التحصیل می نمایی که در راه دعوت به سوی الله کار می کنند. این کار بزرگی است. موسسه ای متوسط برای پرورش خطیبان مسجد نیز ساخته می شود. یکی از رهبران احزاب کمونیستی می گوید: مسجدهای مسلمانان را به من بدهید و همه چیز را از من بگیرید. مساله به این سادگی نیست. همه ی مسلمانان باید در هر هفته به یک خطبه گوش فرا دهند. اگر خطیبان از نظر علمی، فرهنگی، علمی، زبانی، دلیل و استدلال در سطح عالی باشند این بدان معناست که آنان نسل ها را پرورش خواهند داد. پس بخشش اموال در راه خدا به خاطر انتشار و گسترش اسلام و تاسیس مساجد و موسسات دینی و دانشکده های اسلامی همه در راه خداست. اما هر چیزی باید به اندازه و متعادل باشد. کسی که در یک مدرسه ی دینی درس می خواند هزینه های معاش او را می پردازیم. برای هر کس به اندازه ی عملی که انجام می دهد هزینه می کنیم. اما اگر مسلمانان را از ترویج دینشان از راه مدارس و دانشگاه ها و کتاب ها و شبکه های مجازی محروم سازیم به این معنا خواهد بود که حق منزوی شده و باطل و ناحق گسترش خواهد یافت و ناحق به شکل ترس آوری در حال گسترش خواهد بود. و دلیل قرآنی آن این است:

﴿ و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد ﴾

[ابراهیم:26]

ناحق منتشر می شود، این آیه پس از این سخن او تعالی آمده است :

﴿ آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است ﴾

[ابراهیم:24]

یک دانه انجیر را کاشتیم و اکنون درخت انجیر شده است و دارای پنج هزار انجیر است و هر انجیر دارای حدود بیست هزار دانه ی انجیر است. یک دانه که به درخت تبدیل شده است و به میوه رسیده است. کلمه ی حق نیز این گونه است و کلمه ی باطل نیز شبیه همین است با این تفاوت که باطل ریشه و اصلی ندارد و از روی زمین کنده شده است اما حق ریشه و اصل آن پا برجا و ثابت است. این مصوبه را از مصوبات انجمن فقه اسلامی برگزیدم تا انگیزه ای باشد برای اینکه اموال خود را در راه خداوند و در راه انتشار این دین و پاسخ به نیرنگ های دشمنان و در راه گسترش حق و جلوگیری از باطل انفاق نمایید. در راهی که کلمه ی الله در روی زمین توسط آن والا گشته و به کارکنان و داعیان و دانشجویان و موسسات دینی و کتاب ها و نوشته ها و مراکز اسلامی نیاز دارد. این محتوی مصوبه ی دوم بود که در این جلسه بیان شد.